مدیریت شهری
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016
۳۱۳-۳۲۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۹/۱۸

تعریف قلمرو محلات: تحلیلی مفهومی با تاکید بر ابعاد روانی- ادراکی و ارائه مدل مفهومی

وحیده برنون* - گروه هنر و معماری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
ناصر براتی - گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران
آزاده شاهچراغی - گروه هنر و معماری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است و اجتماعات انسانی نیز در طول تاریخ بشر خود را در قالب سازمانها و مکانهای خاصی از جمله؛ اجتماع شهری، روستایی و شیوه های مختلف سکونت به منصه ظهور رسانده است. یکی از اجتماعاتی که از دورانهای کهن شهرنشینی وجود داشته محلات شهری می باشد که با تغییر و تحولاتی که شهرها در طول زمان در ساختار، محتوا و کالبد به خود دیده اند. قلمرو و محدوده های فضایی و اجتماعی محلات شهری نیز در شهرهای امروزی متحول شده اند. از اینرو ادراک و رفتارهای متفاوت انسانها را از قلمرو محله و نسبت به هم محلی های خویش (اجتماع محله) در پی داشته است. از جمله رویکردهایی که برای بازتعریف قلمرو محلات و تقویت ادراک حس مکان و حس اجتماعی ساکنین نسبت به قلمرهای محله ایشان مطرح گردیده است، نحوه تعریف این قلمروها مبتنی بر ادراک ذهنی و رفتاری ساکنین از آنها می باشد. بدین ترتیب مقاله حاضر با تبیین آناتومی مفهوم قلمرو محله در شهر، ابتدا به بررسی مولفه های موثر و رویکردهای رایج در زمینه تعیین قلمرو محله، پرداخته و با بیان تئوریها و پژوهشهای مختلف صورت گرفته در این زمینه، ملاحظه می نماید که اغلب پژوهشها بر محدوده های رسمی و آماری تکیه می کنند که این محدوده ها، محلات واقعی را نشان نمی دهد. تحلیل اسناد مطالعه نیز به شیوه «تحلیل درونی» انجام یافته است. بدین ترتیب، محتو ای منابع و اسناد به لحاظ موضوع، معیارهای شناختی، اندیشه های نظری و فلسفی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و به نتایج چندی از جمله؛ ماهیت چندسطحی قلمرو محلات، تفاوت محدوده ادراکی ساکنین با محدوده های آماری، پی می برد، در نهایت با ارائه مدل مفهومی مبتنی بر مولفه های عینی و ذهنی، محدوده ای را (لایه دوم فضای محله) بعنوان قلمرو واقعی محلات معرفی و برای توجه بیشتر در پژوهشهای آتی پیشنهاد می نماید.

واژگان کلیدی: قلمرو، قلمرو محله، ادراک ذهنی محله، آشنایی فضایی.

The definition of local territory: conceptual analysis with an emphasis on psycho-perceptual and conceptual models

Abstract

We are social beings and human societies throughout human history in the form of organizations and certain locations such as urban, rural and different ways of living has brought to fruition. One of the communities that existed from ancient times urbanization that has transformed the urban neighborhoods of cities over time in the structure, content and structure have been seen. The scope and limits of social space and urban neighborhoods in cities today have changed. The scope and limits of social space and urban neighborhoods in cities today have changed. Thus, perceptions and behaviors of different people to each local territory and its neighborhood (neighborhood community) is followed. Including approaches to redefine the territory of communities and strengthen a sense of place and sense of community perception of the residents of the neighborhood domains has been raised, how to define these territories based on subjective perception and behavior of their residents. This article discusses the anatomy of the territory of the neighborhoods in the city, first the effective components and common approaches in determining the scope of the neighborhood, is discussed. And the expression of different theories and research done in this field, we see that most studies rely on a range of official statistics that these limits, does not show actual locations. Analysis study documents the need to practice "internal analysis" was conducted. Thus, the content of the sources and documents, the recognition criteria, theoretical and philosophical ideas were analyzed and several results including multi-domain nature areas, differences in perceptions of people with a range of statistical follows Winning, ultimately providing a conceptual model based on objective and subjective factors, the range (the second layer of the atmosphere of the neighborhood) as the neighborhoods of the territory and to pay more attention in future research suggests.

Keywords: territory, territory, district, neighborhood subjective perception, spatial orientation.

*نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۴۱۱۱۸۹۸، رایانامه: barnonv@gmail.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

۱- مقدمه

مغـز انسـان ظرفیت محـدودی برای ذخیـره و پردازش مقادیـر بزرگـی از اطلاعـات را دارد. بـرای اداره کـردن پیچیدگیهـای طاقـت فرسـا از جزئیـات، مغـز غالباً تکه هـای بزرگ از داده هـا را به قطعات قابل مدیریت، برای پـردازش، تفکیـک مـی کنـد. یـک مبحث مهـم و قابل توجهـی کـه اطلاعـات در آن تقسـیم بندی می شـوند در جغرافیـا و شناسـایی مـکان مـی باشـد (B.Wahl, E.Wilde, ۲۰۰۸ :۱). محـلات، از مصادیق تقسـیمات کالبـدی درون شهرهاسـت که از اهمیت ویـژه‌ای برای برنامه ریـزان برخـوردار اسـت. مبنـی بـر پژوهش هـای متفکـران مکتـب شـیکاگو مشـکلات اجتماعـی در شـهرهای بـزرگ از وابسـتگی اجتماع محلـی مبتنی بر روابـط چهـره بـه چهـره بـه روابـط مبتنـی بر مسـائل اقتصـادی تغییـر جهـت داده و بخـش عمـده ای از این مسـائل و مشـکلات بـه دلیـل حـذف و برداشـتن مـرز بیـن سـکونتگاه هـا، بویـژه در مناطـق کلانشـهری رخ داده اسـت (عبدالهی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶). بیشتر مثالهای طراحـی بـرای محله های شـهری نیـز به دنبـال یافتن مـرزی برای محله اسـت تـا بتواند حس تمایـز و هویت را دامـن زننـد (مدنـی پـور، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵). اغلـب دانشـمندان اجتماعـی و عمـده مطالعـات در تعییـن مـرز محـلات بـر آمـار جغرافیایـی و رسـمی تکیـه می کننـد، کـه تعاریـف کاربـردی ناقصـی را بـرای تحقیق و سیاسـت گـذاری پیشـنهاد مـی نماینـد (Coulton ,Claudia ۲۰۱۲، Sampson et al ۲۰۰۲: ۴۴۵). بـه طـور معکوس، تئوریهـا در باره تعاملات بین سـاکنان و محلات شـان نمونه هـای اندکی هسـتند (Sampson et al, ۲۰۰۲:۴۴۴ ,Shinn and Toohey ۲۰۰۳). ادبیـات معاصـر در علـوم اجتماعـی نیـز یـک علاقـه مجـدد بـه تعاریـف ذهنی از محلـه را با تاکیـد بر مرزها نشـان مـی دهـد (Hwang,J:۳ ,۲۰۰۷). بنابـر اهمیتی کـه ادراک انسـان از قلمـرو محلـه بعنوان محـدوده حد فاصـل بیـن عرصـه خصوصـی و عرصـه عمومـی شـهر دارد، تعریـف مـرز محلـه براسـاس تجربـه سـاکنین از موضوعـات مبـرم در برنامه ریـزی محـلات می باشـد.

لـذا پژوهـش حاضر می کوشـد با تاکید بـر رویکردهای تعاملـی در مکاتـب روانشناسـی، بـه تعریف محـدوده و مـرز محـلات بپـردازد و در فرایند مقاله به پرسشـهایی کلان از ایـن دسـت کـه در پـی مـی آیـد بـه اجمـال پاسـخ دهد:

۱.مفهـوم قلمـرو و انـواع سلسـله مراتـب قلمروهـای انسـانی کدامنـد؟

۲.براسـاس تئوریهـا و مطالعات صـورت گرفته، کیفیت فضایـی قلمرو محلات شـهری چگونه اسـت؟

۳.روشـها و روشـهای مختلـف تعریـف قلمـرو محـلات کدامند؟

۴.می تـوان بـا بررسـی مولفـه هـای موثـر بـر ادراک ذهنـی و اجتماعـی سـاکنین، مدلی برای نحـوه تعیین قلمـرو محـلات در شـهرها ارائـه نمـود؟

مطالعـه حاضـر براسـاس رویکـرد توصیفـی کیفـی و با در نظرگیـری پژوهشـها و مطالعـات تطبیقـیِ صـورت گرفتـه، آرا و اندیشـه های نظریـه پـردازان مـورد توجه قرارگرفتـه و بـا مدنظر داشـتن ابعاد ذهنـی- ادراکی در روانشناسـی محیـط، سـعی در تشـریح مولفه های موثر در چگونگـی تعییـن قلمـرو محلات انجام شـده اسـت. تحلیـل اسـناد مطالعـه بـه شـیوه «تحلیل درونـی» به بررسـی و تحلیـل محتـوای منابـع و اسـناد بـه لحـاظ موضـوع، معیارهـای شـناختی، اندیشـه هـای نظـری و فلسـفی پرداختـه و بـرای ایجـاد ارتبـاط بیـن آنهـا بـه ارائـه مـدل مفهومـی همت گماشـته شـده اسـت.

۲-پیشینه تحقیق

توصیـف محـلات فضایـی از ادراک واقعـی مـردم تاریخ طولانـی در ادبیـات دارد که با «کوین لینـچ» (۱۹۶۰)، «جین جکوبز» (۱۹۶۱) شـروع شده و بوسیله «تررنس لـی» (۱۹۶۸) و «میل گـرام» و دیگـران (۱۹۷۲) بسـط یافـت. مطالعـه ادراک محلـه‌ای «لـی»، خیلـی زود بوسـیله ازدیـادی از مطالعـات جایگزیـن هماننـد «هنـری و کوکـس» (۱۹۷۰) و «سـن آف» (۱۹۷۰)، لـی (۱۹۷۹)، «زاناراس» (۱۹۷۶)، «پاسـیون» (۱۹۸۲) دنبـال شـد. از ایـن به بعـد، اغلـب مطالعـات محله‌ای، مثـل مطالعـات تصویرسـازی (Haney Knowles:

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

۱۹۷۱، Stokols ۱۹۸۱) و مطالعات آشـنایی محله‌ای (Gate etal، ۱۹۷۸،۱۹۹۰ Golledge et al ۱۹۹۰ Aitken et al) نقشـه های محله ای سـاکنان را بـکار گرفتنـد. پژوهش های دیگری نیز توسـط «گیل» (۱۹۹۰) دربـاره دانـش فضایـی انجـام یافـت. پژوهـش «سـاتلز» (۱۹۷۲)، «گرانیـس» (۱۹۹۸)، «کولتـن» (۲۰۱۲،۲۰۰۶،۲۰۰۱)؛ «اوکمپـو» (۲۰۰۳) از جملـه مـواردی هسـتند کـه به مطالعـه نحوه ادراک سـاکنین از قلمروهـای محلات و مقایسـه آن بـا مرزهای عینی و آمـاری پرداختـه اند.

۳-مبانی نظری تحقیق

۳-۱- مفهوم و چیستی قلمرو

قلمـرو بخشـی از محیطـی اسـت کـه در ارتبـاط با آن هسـتیم و نسـبت بـه آن نوعـی حـس مالکیـت، قدرت کنتـرل و اختیـار ایجـاد تغییـرات را در آن داریـم. در چنیـن قلمروهایـی، حضـور و ورود دیگران مشـروط به داشـتن اجـازه از مااسـت. برهمین اسـاس اسـت که در فضاهایـی ماننـد خانـه یـا محلـه، حضـور افـراد غریبـه ناخوشـایند اسـت، چرا که یکی از مهمتریـن معیارهای مـا بـرای پذیرفتـن افـراد در ایـن قلمروهـا آشـنایی بـا آنهـا می باشـد.

برخـلاف فضـای شـخصی کـه بـا شـخص حرکـت می کند و متناسـب با موقعیت قبض و بسـط می یابد، یک قلمـرو (محـدوده) یـک مـکان جغرافیایی تثبیت شـده اسـت: قلمروگرایـی اشـاره بـه آن رفتارهایـی دارد کـه فـرد با اسـتفاده از آنها بر فعالیتهایی کـه در آن فضا رخ مـی دهند،اعمـال کنترل می کنـد. در تعاریف متعددی کـه از قلمروگرایی ارائه شـده اسـت، عمدتا تاکیدشـان بـر رفتارهای قابل مشـاهده ای مثل مشـخص سـازی و دفـاع از قلمرو به چشـم مـی خورد (انـدرو، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸). اسـتفاده از دیـوار، پـرده و نشـانه گـذاری هـای نمادیـن و واقعـی بـرای تعییـن قلمـرو مکانـی و فاصله هـا، همگی روشـهایی بـرای تامیـن خلوت هسـتند که تـا حـدودی تحت کنتـرل طراحـان محیط می باشـند (لنـگ، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷).

لئـون پاسـتالان(۱۹۷۰) راجع بـه قلمرو مکانی انسـان تعریـف زیـر را ارائـه کـرده اسـت: قلمرو مکانـی فضای محدود شـده ای اسـت که افراد و گروهها از آن بعنوان محـدوده ی اختصاصـی اسـتفاده و دفـاع مـی کننـد. قلمـرو بـا یک مـکان، هویت روانشـناختی مـی یابد و با احسـاس مالکیـت و ترکیب کالبدی به صـورت نماد در می آیـد (لنـگ، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹).

پژوهشـها بطـور مـداوم نشـان مـی دهنـد که مـردم بر مکانهایـی که در آنجا فعالیتهایشـان بطـور منظم انجام مـی شـود، حـس تملک پیدا مـی کنند و این احسـاس قلمروخواهـی بـا افزایـش زمانـی که فـرد در آن محیط سـپری می نماید، شـدت مـی یابد (انـدرو، مک ۱۳۹۲، ص ۹۰).

۳-۲- اهمیت قلمرو در زندگی انسان

نیـاز بـه خلـوت، فضـای شـخصی و قلمـرو پایـی در انسـان عمومیـت دارد و بـه ارضـای نیازهـای دیگـری چـون امنیـت، خودشـکوفایی، و عـزت نفس ربـط دارد (آلتمـن، اسـکابورکیس، اسـکات و دیگـران، بـه نقل از لنـگ ۱۳۹۰، ص ۱۶۵). تامیـن خلـوت و کنترل قلمرو مکانـی در طراحـی محیـط اهمیـت ویـژه‌ای دارد، زیرا بعضـی از نیازهـای انسـان از قبیـل: هویـت، انگیزش و امنیـت از این طریـق قابل ارضا هسـتند (لنگ، ۱۳۹۰، ۱۷۰). انسـان بـرای ارضـاء نیازهـای فیزیولوژیـک و اجتماعـی خـود و بـه منظور ایفـا نقش هـای اجتماعی بـه فضاهـا، حـدود و ثغـور و شـرایط مناسـب نیـازدارد تـا زمانی کـه نتوانـد شـرایط موردنظـر را بوجـود آورد بـرای سـازگاری خود بـا مقتضیات محیطـی، مجبور به تغییـر رفتار می باشـد. بنابرایـن برای انسـجام و انتظام رفتارهای انسـانی و انطباق آن بـا محیط کالبدی نیازبه قلمرویابـی اسـت؛ چراکـه در قلمـرو یـا فضـای تحـت تصـرف خـود بـروز و ظهـور آثار فـردی میسـر و روابط سـایر افراد با شـخص تنظیم و در نهایـت هویت و تمیز فـرد از سـایر افـراد بسـهولت امـکان پذیـر می گردد.

بعـد از قلمرویابـی مهمتریـن مرحلـه تعییـن حـدود قلمرواسـت کـه دراین زمینـه حیوانـات نیـز با ابـزار و شـیوه‌ای مختلـف آن را تحدیـد و از آن در مقابـل ورود اغیـار دفـاع می کننـد، امـا مرزبنـدی حرایـم انسـانی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

اغلب با استفاده از علائم جغرافیایی و سایر نشانه های مصنوعی صورت می گیرد (Altman ,۱۳:۱۹۸۰).

۳-۳-نظام و سلسله مراتب قلمروهای انسانی

یکی از اساسی ترین گام ها در تشخیص انواع قلمرو، توجه به عرصه بندی در محیط های مسکونی است. «الکساندر و چرمایف» در یک تقسیم بندی، سلسله مراتب فضاهای عمومی شهری، فضاهای نیمه عمومی شهر، فضاهای عمومی یک گروه، فضاهای خصوصی یک گروه، فضاهای خصوصی یک خانواده و فضاهای خصوصی افراد را معرفی کرده اند (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۲۱). چنین تقسیم بندی در شهرهای ایران نیز به واسطه ی وجود سه نوع فضا با خصوصیات متفاوت قابل شناسایی است. این سه نوع فضا فضاهای عمومی به صورت گذر و میدان، فضای نیمه خصوصی- نیمه عمومی به صورت یک بن بست اختصاصی یا یک هشتی که به چند خانه راه داشته است و فضای خصوصی حیاط و عناصر در برگیرنده آن را شامل می شود. بدین ترتیب قلمرو را می توان به قلمرو یک محله، قلمرو چندین واحد مسکونی و قلمرو یک واحد مسکونی تقسیم بندی نمود (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۶۸).

در این راستا «داگلاس پورتیوس» سه مقیاس فضایی در درون هم را تعریف کرده است:

۱.مقیاس اول فضای شخصی است که منظور از آن محدوده ای غیرقابل رویت در اطراف فرد می باشد که مزاحمی به آن راه ندارد.

۲.مقیاس بعدی فضای متکی به خانه یعنی فضایی که از آن بطور فعال دفاع می شود و شامل فضاهای کار،مسکن و محله است. و

۳.مقیاس فضای در دسترس خانه که قرارگاه یا مکان زندگی فرد است (لنگ،۱۳۹۰، ص ۱۷۰).

«لایمن و اسکات» نیز دو نوع قلمرو، یعنی قلمروخانه و تعاملی را معرفی کرده اند (آلتمن، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰). به همین صورت «حسین اشرکاوی»، چهار گونه قلمرو مکانی را تحت عنوان قلمرو پیوسته (حباب فضایی متعلق به فرد)، مرکزی (فضاهای به شدت شخصی مانند اتاق و خانه)، حامی (فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی) و پیرامونی (فضاهای عمومی) معرفی می کند (لنگ، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰). پژوهشگران انواع قلمرو را برمبنای سلسله مراتب دسترسی، مقیاس، مدت زمان استفاده از فضا و یا مفاهیم مرتبط مشخص می-کنند. آلتمن با درنظر گرفتن این عوامل و با توجه به عمومی یا خصوصی تر بودن دسته بندی جامعی از قلمرو به ترتیب زیرارائه داده است؛

۱. «**قلمرو اولیه**»: تحت مالکیت یا انحصار فرد یا گروه خاصی است. این قلمروها در زندگی روزانه نقش بنیادینی دارند و یگران نیز آنها را مالک این قلمروها می شناسند و به شکل دائمی تحت اختیار افرادهستند (آلتمن ۱۳۸تا۱۴۵: ۱۳۸۲). این قلمروها تحت کنترل مداوم بوده و نمونه آنها خانه، اتاق خواب می باشد (Gifford,۱۳۸:۱۹۹۷).

۲.«**قلمرو ثانویه**»: آلتمن قلمرو نیمه عمومی را قلمرو ثانویه می خواند. به عبارتی قلمرو ثانویه مفصلی است میان قلمرو نخستین که نسبت به آن نظارت تام داریم و قلمرو عمومی که تقریباً همگان می توانند از آن استفاده کنند. برخی از قلمروهای ثانویه در آن واحد، هم در دسترس عموم و هم تحت نظارت استفاده کنندگان ثابت است. آلتمن برای نمونه به کافه های محلی اشاره می کند که هرچند مکانی عمومی هستند، اما مشتریانی ثابت و همیشگی دارند (آلتمن،۱۳۸۲، ص ۱۴۰). در حقیقت این مفهوم، فضای نیمه خصوصی و نیمه عمومی الکساندر، فضای تعاملی لایمن و اسکات و فضای حامی الشرکاوی را نیز در خود جای داده است (عینی فر، ۱۳۹۰، ص ۱۹).

۳.«**قلمرو عمومی**»: این قلمرو محدوده ای موقتی است و تقریبا همه به آن دسترسی دارند. مانند فضاهای شهری، پارکها و غیره (آلتمن، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵). آلتمن همچنین یادآور می شود که فضاهای قابل دفاع نیومن نیز تا اندازه‌ای متکی به وجود قلمروها و توانایی آدم ها برای نظارت بر رویدادهای

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

مکان زندگیشان است (آلتمن، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰). مفهوم قلمرو تنها موضوعی فضایی نیست، بلکه یک پدیده اجتماعی نیز هست. درحقیقت قلمرو را می توان موقعیت و مکان یک اجتماع در فضا دانستLawson ۲۰۰۲:۱۶۸)). بدین ترتیب مرز قلمرو مجموعه های مسکونی نیز یکی از عوامل هویت ساز است که می تواند به صورت کاملاً بسته بوده و مجموعه را با محدوده های سخت، از بقیه شهر مجزا نماید. همچنین می تواند به نوعی ارتباط محیطی خود را حفظ نموده و در عین حال حریم و قلمروی مربوطه را حفظ کند (لینچ، ۱۳۷۶).

۳-۴-مفهوم قلمرو محله در شهر

مفهوم شهر در کل، با دارا بودن یک گروه از محلات شکل دهنده آن مفهوم جدیدی نمی باشد (wright,۱۹۶۰:۱). تفکر تفکیک شهر به بخشهای قابل تعریف و مدیریت یکی از دغدغه های قدیمی برنامه ریزی و طراحی شهری بوده است. یعنی از زمان هیپوداموس که شهروندان را به طبقات درآمدی و انواع زمین تقسیم می کرد (Gorman به نقل از مدنی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۷۴). تا اوایل قرن بیستم که تفکر آلمانی شهر را به زونهای مشخص تقسیم می کرد (Mumford به نقل از مدنی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷). در بررسی گذشته تاریخی برنامه ریزی محله، دانلد اپلیارد تأکید می کند که واحدهای همسایگی نه تنها به عنوان ناحیه و محدوده کران دار تعریف میشدند بلکه خطوط ترافیکی با خیابانها نیز نقش مهمی در تعیین مرز آنها ایفا می کرد (Cowan, ۲۰۰۰:۵۲۹). محلات در درجه ای که قابل تشخیص اند، با یکدیگر متفاوتند، مثلاً اینکه آیا مرزها و سرحدات آنها به شکل طبیعی رخ داده یا به طور عادی با عناوین محله ای قابل تشخیص می باشند (Taylor، به نقل از Coulton,۲۰۱۲:۵). عموماً مرزهای محلات از عناصر مجزایی ناشی می شوند همانند یک تپه، دره یا از جاده های مجاور. این تمایزات اغلب میزان مطلوبیت را برای محلات، تعیین می کند (مانند یک ارتفاع بلندتر با یک منظره که ممکن است از یک زمین پست احیا شده، ارزشمند تر باشد (Borden.T.F به نقل از E.Wilde, ۲۰۰۸:۳ ,B.Wahl).

ایده غالب در مورد محله اینست که داشتن یک محدوده ی مشخص، موجب تقویت روابط اجتماعی و عملکردی و حس تعلق به آن می شود (کرمونا و تیزدل، ۱۳۸۸، ص ۲۳۴). بر اساس نظر راپاپورت، هویت به تمایز و شناخته شدن افراد و گروه ها کمک می کند. تمام اشکال هویت شامل محتوا و محدوده ای مشخص اند. تعریف محتوا و محدوده ای که بیانگر حریم محله باشد، دو گام اساسی در شکل گیری هویت محله مسکونی است (عینی فر، ۱۳۸۸، ص ۲۲). چنین محدوده ای ممکن است محو، یا مشخص باشد. محدوده های محله، خلوت، دسترسی محدود، فضای محصور و مقیاس مکان را تعریف و تامین می کند (Dovey,۱۹۸۵:۹۵). درحالی که تداوم فضایی و خوانایی، عوامل مهمی برای طراحی محله اند محدوده ها و لبه های قوی نباید لزوماً ماهیت کالبدی داشته باشند (Rapoport,۱۹۸۲:۱۰). لینچ معتقد است که لبه ها و محدوده های قوی بجای موانع منزوی کننده مجموعه ها، خطوط وحدت بخش آنها هستند (lynch,۱۹۶۰:۶۵). الکساندر و همکارانش (۱۹۷۷، ۸۸-۹)، دسترسی محدود به داخل محله را مهمترین ویژگی تعریف کننده محله بیان نموده اند. با محدودشدن دسترسی افراد غیرمحلی، احتمال شکل گیری حس زندگی در اجتماع محلی و خلوت و امنیت، بیشتر می شود (Cooper Marcus and Sarkissian,۱۹۸۸:۴۲).

۳-۵-روشهای تعیین مرز و قلمرو محلات

اغلب مطالعات پژوهشی محلات، بر مرزهای حاصل از سرشماری ها اتکا نموده است و عمدتا ابعاد کمی و عینی را برای تعریف مرز محله بکار می گیرند. به اعتقاد سمپسون (۲۰۰۲)، این تعریفها برای پژوهش و سیاستگذاری غیرصحیح می باشند. وی با بررسی مطالعات در تاثیرات محله ای در دهه های اخیر،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

تحلیل ذهنی را پیشنهاد و ضروری می داند. «آلبرت هانتر» در کتاب «اجتماعات سمبلیک» (:۶ ۱۹۷۴) از اهمیت ادراکات محله دفاع می نماید: ادراکات ساکنین از ناحیه ی محلی، البته یک روش جامع برای تعریف نیست، ولی آنها یک واقعیت مستقلی هستند که نباید مورد چشم پوشی واقع شوند... اگر {مردم} باور دارند این جوامع وجود دارند، پس آنها وجود دارند. سازمانهای برنامه ریزی یکی از دو استراتژی را برای تعریف محله بکار می برند:

۱- مرزهای از پیش تعیین شده محله بوسیله گروههای بیرونی و درونی که عبارتند از: محلات سیاسی، محلات اجتماعی، محلات کالبدی که اغلب بوسیله آژانسهای دولتی برای مقاصد اجرایی برنامه هایشان تعریف می شوند (تایوب و دیگران، به نقل از Chaskin:۴.۱۹۹۸).

۲- مرزهای تعریف شده بوسیله ساکنین فردی: مجموعه ای از نقشه های ترسیم شده روزانه، از میان جریان های انبوه حرکتها، تعاملات اجتماعی و توصیفات محیط پیرامونشان باهم ترکیب می شوند. عناصر موثر در شکل گیری این مجموعه از نقشه ها عبارتند از: عناصرکالبدی شامل مسیرها، نشانه ها، مرزهای لبه ای. عناصر اجتماعی شامل واحدی از فضاهای پیوسته که فعالیتهای مختلف اجتماعی یا محتوای نمادین یا تاریخی در آن رخ می دهد. عناصر عملکردی شامل نواحی جمعیت شناختی، وجود موسسات اصلی، وجود فرصتها (همان، ص ۴). روند محله بندی در ایران نیز با اتکا به رویکرد کمی و بر اساس معیارهایی چون؛ وسعت محله، شعاع عملکرد خدمات محله ای و جمعیت انجام می گیرد که بیشتر در محله بندی شهرهای جدیدالاحداث کاربرد دارد و در محله بندی های درون شهری موجود درطرح های تفصیلی مناطق نیز روش عینی و کمی روند رایج مرزبندی محلات می باشد.

۴-یافته های تحقیق

با مطالعه و بررسی پژوهشهای انجام یافته در ارتباط با ادراک ذهنی ساکنین از محدوده محلات، می توان نکات قابل توجهی را تحلیل و تبیین نمود که عبارتند از:

• سطوح فضایی قلمرو محلات: اغلب پژوهشها نشان می دهند که، محلات بهترین مصداق از نبود نواحی مجزا از هم در یک شهر می باشند (ساتلز، به نقل از Y.Guo and R.Bhat:۴,۲۰۱۰). «گالستر» در پژوهش خود (۲۰۰۱)، تعدادی از خصیصه هایی که منجر به تمایز بین محلات می شود بر میشمارد از جمله: ویژگی های ساختاری، جمعیتی، محیطی، تعاملات اجتماعی و ویژگیهای احساسی، که ویژگی جامع همه آنها، «فضا» است. پس محله، یک ناحیه محدودشده فضایی است. مقیاس جغرافیایی، اغلب در بین این ویژگیها، متفاوت است. بعنوان مثال، یک محدوده همگن از لحاظ ویژگیهای ساختاری مسکن میتواند گسترده تر از یک محدوده همگن اجتماعی باشد و الی آخر (Galster,۲۱۲۱:۲۰۰۱). کارهای «ساتلز» (Suttles۱۹۷۲,) و «بیرچ» (Birch,۱۹۷۹) نیز بیان می کند که خانوارهای شهری می توانند چهار مقیاس فضایی مجزایی از محله را درک نمایند (نمودار ۱):

۱- کوچکترین سطح آن عبارت از بلوک چهره است؛ ناحیه ای که تا انتهای آن کودکان بدون نظارت والدین اجازه بازی دارند (Galster,۲۱۱۴,۲۰۰۱). محله در این سطح برای هر شخصی متفاوت است و بعید است که مرز مشخصی داشته باشد (Y.Guo and R.Bhat:۵,۲۰۱۰). می تواند محدوده ای کوچک و مبتنی بر بعد کاملاً اجتماعی تصور گردد.

۲- دومین سطح «محله دفاع شده»، عبارت از کوچکترین ناحیه ایست که در بردارنده یک هویت مشترک ناشی از تضاد یا تمایز بین دیگر نواحی بوده و بوسیله ی مرزها، نشانه های شهری مشخص شده است (Ibid:۲۱۱۲). اندازه آن به حد کافی بزرگ بوده و شامل مکملی از تسهیلات محلی می باشد (Y.Guo and R.Bhat:۵,۲۰۱۰)؛ می تواند محدوده‌ای در حد چند بلوک ساختمانی و با روابط غیر رسمی اجتماعی و عملکردی و کالبدی وجود

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

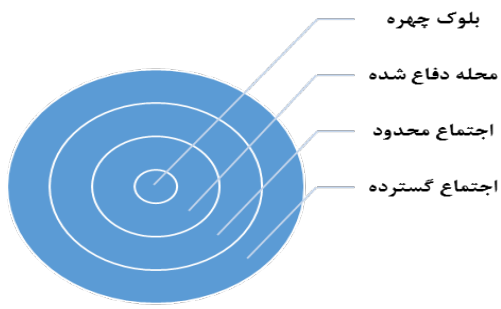

نمودار ۱. لایه های مختلف مرز محلات، ماخذ: نگارندگان

داشـته باشد.

۳- سـطح سـوم «اجتماعی از تعهد محدود» می باشـد که شـامل ناحیه ایسـت که توسـط دولت محلی تعیین شـده و مشـارکت اجتماعـی افـراد درآن داوطلبانـه می باشـد(Galster,۲۱۱۴,۲۰۰۱). می توانـد محدوده ای مبتنـی بـر تعامـلات و روابط رسـمی و سـازمانی وجود داشـته باشد.

۴- بالاتریـن مقیـاس جغرافیایـی از محلـه، «اجتمـاع گسـترده بـا تعهـد محدود»، بخشـی از شـهر بـوده که هویـت آنهـا معمـولاً از سیاسـتها و برنامـه هـای دولتی ناشـی می شـود (Y.Guo and R.Bhat:۵,۲۰۱۰). ایـن لایـه می تواند محـدوده ای در حد ناحیه شـهری و تنهـا در رونـد برنامه ریـزی رسـمی تعیین شـده باشـد. «اوکمپـو» (O campo:۹,۲۰۰۳) نیـز بـا اشـاره بـه سـاختار چنـد مقیاسـه ای محلـه بیـان می کنـد کـه خصیصـه هـای محلـه ای چندگانـه، عضویتهـای محله ای چندگانـه ای را ایجـاد مـی کنـد کـه سـاکنین از طریـق آنهـا هویتهای محلـه ای مختلفی بـرای خود باز مـی یابنـد. مبتنی بر دسـته بندی نظریات فـوق الذکر، مـی تـوان ابعـاد مختلفـی را بـرای لایـه هـای فضایـی تعییـن شـده از محـدوده محـلات بیـان نمـود کـه در جـدول شـماره ۳، نشـان داده مـی شـود.

• وجود تفاوت بین مرزهای رسمی با مرزهای ادراک شده ساکنین

«گرانیـس» در پژوهـش خـود (Grannis۲۰۰۳)، شـهرها را مثل «جزایر مسـتقل چندگانـه» مدل بندی کـرد. در ایـن پژوهـش وی بـا مقایسـه ایـن جزایـر بـا نقشـه های شـناختی سـاکنین از محـلات، نشـان داد کـه سـاکنین تنهـا بخشـی از جزایـر را بعنـوان محلـه شـان در یافـت مـی کننـد (Y.Guo:۷,۲۰۱۰). اغلـب پژوهش هـای انجـام شـده در ایـن زمینـه عـدم صحـت و تطابـق مرزهـای عینـی و تعریـف شـده آمـاری را بـا مرزهـای ادراک شـده توسـط مـردم نشـان مـی دهـد. محـدوده ادراکـی سـاکنین در اغلب مـوارد کوچکتـر از واحدهـای آمـاری بـوده و در نتیجه واحدهـای تعییـن شـده اداری، محـلات واقعـی را نشـان نمی دهنـد (Grannis,Sampaon et ۲۰۰۳,al ۲۰۰۲ ، Y.Guo ۲۰۱۰ Coulton et al ۲۰۰۱، Galster,۱۹۸۶، Chaskin ,۱۹۹۸ ,Rohe&Gate ۱۹۸۵، Cox ,۲۰۰۰، suttles ,۱۹۷۲، Birch ,۱۹۷۹،

جدول ۳. لایه های مرز محلات و مولفه های شکل دهنده آن؛ ماخذ: یافته های تحقیق بر اساس نظر ساتلز، بیریچ و دیگران.

سطوح چندگانه قلمرو محلات	بعد تعریف مرز	وسعت فضا	ویژگیها و عناصر کلیدی
لایه اول (بلوک چهره)	اجتماعی	کوچک در حد بلوک	دارای امنیت بوده و بدون مرز مشخص
لایه دوم (اجتماع دفاع شده)	اجتماعی؛ کالبدی-عملکردی	نسبتاً بزرگ	دارای یک هویت مشترک و مرز مشخص، شامل تسهیلات و خدمات مورد نیاز
لایه سوم (اجتماع با تعهد محدود)	سیاسی-کالبدی	ناحیه بزرگ	وجود مشارکت اجتماعی افراد داوطلبانه، ساکنان شریک در جوامع چندگانه
لایه چهارم (گسترده با تعهد محدود)	رسمی و سیاسی	خیلی بزرگ و بخشی از شهر	هویت ناشی از سیاستها و برنامه های دولت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

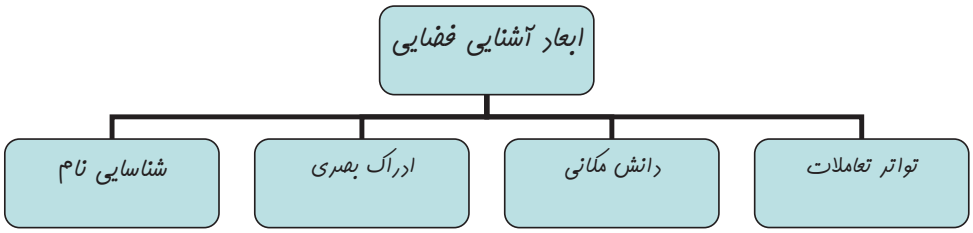

نمودار ۲. ابعاد آشنایی فضایی ؛ Gale et al، ماخذ: نگارندگان.

نمودار ۲. ابعاد آشنایی فضایی ؛ Gale et al، ماخذ: نگارندگان.

Shinn and Toohy,۲۰۰۳).

• وضوح و آشنایی فضایی ساکنین از محدوده محلات

مطالعه «لی» (۱۹۶۸) شاید اولین پژوهش بود که روش لینچ را برای بررسی محیط کالبدی در مقیاس محله بکار برد. او مفهوم «طرحواره» را بعنوان یک روش از نمایش وضعیت افراد از آشنایی فضایی با محیط پذیرفت. براساس «طرحواره» در برنامه ریزی شهری، توسعه یک شاخص Nh.Q (خارج قسمت محله) شرح داده شد. Nh.Q بالاتر شخص، به این معنی است که، ساکنین در هردو محیط کالبدی و شبکه اجتماعی درگیرند (Lee ۱۹۶۸). لی نتیجه گرفت که محله چیزی بود که بطور خیلی آسانی برای یک غریبه مطلق، بعنوان یک تجربه آشکار توصیف و تصویرسازی می گشت. مطالعه ی دیگر بوسیله Gale et al (۱۹۹۰) درباره دانش فضایی از طریق آشنایی فضایی، انجام یافت. مبنی بر آن یک محله قسمی از فضاست که اغلب برای اعضای مجموعه خانوارهای مجاور هم آشناست. چهار بعد ممکن برای مفهوم «آشنایی فضایی» عبارتند از: دانش مکانی، ادراک بصری، شناسایی نام، تواتر تعاملات، که همه ی آن ابعاد به جز «فراوانی تعاملات متقابل»، دارای همسویی و انطباق بالایی باهم هستند. آنها همچنین پیشنهاد نمودند که هر دو بعد رفتاری و ادراکی در مفهوم آشنایی فضایی جا دارند و بایستی بخشی از مفهوم بوده و هر تلاشی برای بکار بردن آن بکنند.

• تبیین متغیرهای موثر در تجربه قلمرو محله

مبنی بر کار هانی و ناولز(۱۹۷۸)، محتوای تصویر ذهنی ساکنین از محله در نواحی شهری مختلف تفاوت می کند و ساکنین حومه محلاتشان را بزرگتر از محلات درونی شهر ترسیم می کنند. «لی» و همکاران (۱۹۹۱) با مطالعه ادراک سیاهان و سفیدها، تفاوت های نژادی آشکاری در رفتار همسایگی شهری با ساکنین جنوب نشویل و تننسی یافتند. بطور کلی متغیرهایی که نحوه ادراک ساکنین از مرزهای محله را تحت تاثیر قرار می دهد، عبارتند از: عواملی چون مکانیابی حومه ای یا درون شهری محلات (Haney&Knowles,۱۹۷۸)، موقعیت زندگی فرد در محله حاشیه یا مرکز محله (Dubin,۱۹۹۲)، نژاد (Lee,etal,۱۹۹۱)، جنس (Everitt&Cadwallader۱۹۷۳, Orleans Shmidt ,۱۹۷۳ Guest & Lee۱۹۸۴)، سن (Piaget et al. ۱۹۶۰؛Cannettello& Mark ۱۹۷۰)، طول مدت سکونت (Appleyard ۱۹۷۰ Davlin ۱۹۷۶ , Aitken et al ۱۹۹۰)، طبقه اجتماعی- اقتصادی (Stea ۱۹۷۴ , Appleyard ۱۹۷۰,Goodchild ۱۹۷۴).

۵-تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

محله، بعنوان یک واحد اجتماعی و فضایی از شهر، مبحثی است که از دیر باز و در دورانهای مختلف شهرنشینی انسان مورد توجه بوده است و هم اکنون نیز توجهات دوباره عرصه های مختلف اجتماعی، برنامه ریزی و طراحی شهری را به خود معطوف کرده است. یکی از چالش های اساسی در بعد نظری

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

و کاربـردی آن، نحـوه ی تعریف و تعیین مرز و محدوده مناسـب برای محله در نظام تقسـیمات شـهری اسـت. در خصـوص اهمیـت مـرز و حـد بـرای محلـه، بحـث فراوان اسـت. مردم از طریق پیوسـت و گسسـت اشـیا، از طریـق ترسـیم تمایزات و نظـم دادن به روابط، جهان خـود را معنـا می کننـد؛ زیمل پایه واسـاس پیوند را در جدایـی می دانـد. بـرای او پویـش جدایی و پیوسـتگی دو روی یـک فراینـد اسـت (تانکیـس، ۱۳۸۸، ص ۴۷-۴۸).

محله هـای دارای مـرز و محـدوده مشـخص، بسـتری آمـاده بـرای ایجـاد تشـابه و تفـاوت فراهم مـی کنند و سـکونت در محله ای انحصاری برای برخی، وسـیله ای اسـت کـه از طریق آن مـی توانند خود را بالاتـر از توده جامعـه بکشـانند و مرز و تفـاوت و تمایز خـود با غریبه هـای خارج از محله را تثبیـت کنند (مدنی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵). رونـدی که لفـور آن را «حق متفاوت بودن» عنـوان مـی کنـد؛ بـه نحـوی کـه بـه امنیـت روحـی و ایجاد پناهگاه در مقابل شـهر بزرگ ناشـناخته را تامین می کنـد (مدنـی پـور، ۱۳۸۷؛ ۱۸۷). در ایـن ارتبـاط مقالـه حاضـر تلاش نمود بـرای تقویت ارتباط انسـان با اجتمـاع مکانـی خویش در جامعـه امروزی، بـا ارائه ی مدلـی، بـه تعیین مرز واقعـی محلات مبتنی بـر ادراک ذهنـی سـاکنین بپـردازد. بدیـن ترتیـب با مـرور آرای اندیشـه های مختلـف، به تبییـن مفهوم «مـرز» بعنوان عاملـی جهـت تعریـف موجودیـت و هویـت پرداخته و بـا اسـتناد بـه رویکردهـای تعییـن حـد و مـرز محلات پـی مـی بـرد کـه روشـهای موجـود مرزبنـدی محلات هریـک مبتنـی بـر ابعـاد متفاوتـی از محلـه می باشـد، رویکردهـای رسـمی (عینـی)، بـر اطلاعـات سیاسـی و آمـار جمعیتـی حاصـل از بلوک بندی هـا تکیـه دارد و محـدوده تعییـن شـده معمـولاً سـطح بزرگتـری را نشـان مـی دهـد. درحالی که مطالعـات انجام شـده در برداشـت تجربی سـاکنین از محدوده محلاتشـان نشان مـی دهـد که هریک از نقشـه هـای سردسـتی، حاصل عوامـل متعدد (اجتماعی و کالبـدی) از جمله؛ تعاملات اجتماعی سـاکنین و مراجعـات روزانه و رفت و آمدهای مختلـف در محیـط محلـه مـی باشـند . پـس هرکدام، جنبـه هـای متمایز ایـن محـلات را در برمیگیرد. بدین ترتیـب مشـاهده می گردد کـه محلات شـهری عمدتاً، سـاختار فضایی چند مقیاسـه ای دارنـد که، تحت تاثیر عوامـل مختلـف (فیزیکـی و اجتماعی و روانشـناختی) قابـل شناسـایی اسـت و خانوارهـا از طریـق آنها هویت محلی شـان را بـاز می یابند.

۶-نتیجه گیری و ارائه مدل مفهومی

هـدف مقالـه ی حاضـر تـلاش بـرای تقویـت ارتبـاط انسـان امـروزی بـا قلمـرو و مـکان زندگـی اجتماعـی خویـش (محدوده محله) می باشـد. بدین ترتیب سـعی مـی نمایـد در تعییـن مـرز و قلمرو محلات شـهری، بر اهمیـت تجربه هـای دریافتـی از فرایندهـای اجتماعی و ادراک سـاکنین از محـدوده محلـه تاکیـد نمایـد. در همیـن راسـتا بـرای پاسـخ بـه سـوالات مطرح شـده با مطالعـه و تحلیل تئوریها و پژوهشـهای مختلف صورت گرفتـه، بـه ارائه ی مـدل مفهومی برای بـاز تعریف مرز واقعـی اجتماعـات محلـه ای تلاش می کنـد؛ چارچوب کلـی مـدل پیشـنهادی (نمودار ۳) نشـان مـی دهد که در تعریـف محدوده محـلات مبتنی بر ادراک سـاکنین هـر دو بعـد عینـی و ذهنی محلـه نقش دارنـد. محلات ماهیتـی چنـد لایـه دارنـد و هـر یـک از لایـه هـای فضایـی، تحـت تاثیـر عوامـل و ابعـاد مختلـف عینـی و ذهنـی محلـه قابل تصور اسـت. طبـق مدل ارائه شـده در سـطح فضایی محله، ابعاد عینـی محله، که از طریق سـاکنین قابـل ادراک مـی باشـند، عبارتنـد از: عوامـل کالبـدی (ماننـد؛ معابـر و مسـیرها، لبه هـای کنـاری، رودهـا، نشـانه ها، مراکـز تجـاری محلـه ای)، عوامـل عملکـردی (هماننـد: وجود موسسـات اصلـی، محدوده تامیـن خدمات محلـه ای، وجود خدمـات حمل و نقل) و عوامـل سیاسـی (هماننـد: نواحی جمعیت شـناختی، محـدوده انجمنهـای رسـمی، نامگذاری محـلات) و در بعـد ذهنی عوامـل اجتماعـی (مثل: محـدوده تعاملات اجتماعـی، حـس اجتماعـی، امنیـت، رخـداد فعالیـت اجتماعـی)، مولفه هـای آشـنایی فضایـی سـاکنین (مثـل: ادراک بصـری، شناسـایی نـام، دانـش مکانـی و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

تواتـر تعاملات اجـــتماعی) هرکدام به نحـوی در ادراک مـردم از قلمـرو و مـرز محلـه شـان قابل شناسـایی اند و هریـک از عوامـل مذکور، سـطوح فضایـی و لایه های متفاوتـی را از محیـط محلـه قابـل تصـور مـی سـازد. کوچکتریـن سـطح فضایـی محلـه تحـت عنـوان بلوک چهـره، مبتنی بـر عوامـل اجتماعی همچـون؛ محدوده تعامـلات همسـایگی، محـدوده ی امـن بازی کـودکان، بـا آشـنایی فضایـی کامـل (با ابعـاد ذهنی) قابـل تصور مـی باشـد. سـطح دوم فضایـی یـا لایـه همسـایگی دفـاع شـده، با دارابـودن هویـت خاص و مرز مشـخص کالبـدی، ارائـه تسـهیلات مختلـف روزمـره، متاثـر از عوامـل متعـدد کالبـدی عملکـردی (ابعـاد عینـی) و با محدوده تعاملات اجتماعی و آشـنایی فضایی سـاکنین متاثـر از عوامـل اجتماعی و روانی (ابعاد ذهنی) توسـط سـاکنین قابل درک اسـت. سـطوح بعدی (لایه سـوم و چهـارم)، اجتمـاع بـا تعهد محـدود و اجتماع گسـترده بـا تعهـد محـدود، محـدوده ای کـه توسـط موسسـات دولتـی و تحـت تاثیـر ابعـاد عینـی و سیاسـی تعییـن شـده اسـت. مدل پیشـنهادی، برای شناسـایی اهمیت معیارهـای ذکـر شـده در لایه هـا مبتنی بـر بعد ذهنی و ادراکـی، از مفهـوم «آشـنایی فضایـی» گیل بهره می جویـد و میـزان ابعـاد مختلـف دانـش فضایـی را (ابعاد ذهنـی) در هریـک از لایـه هـای فرضـی محـدوده هـا مدنظـر قـرار مـی دهد.

تمامـی ابعـاد آشـنایی فضایـی (دانـش مکانـی، ادراک بصـری، شناسـایی نـام، تواتر تعامـلات) در لایـه اول به میـزان بالایـی وجود داشـته و در لایه دوم نیـز با توجه بـه بزرگتر شـدن سـطح، تعاملات می توانـد تا حدودی نسـبت بـه لایـه اول، کاهـش یابـد بـا ایـن وجـود، این مقیـاس فضایـی بـا مـرز مشـخص و مراکـز محلـه ای قابل اسـتفاده برای سـاکنین، اغلب برای خانوارها آشـنا بـوده و بعنـوان یـک تجربـه آشـکار قابل تصویرسـازی می باشـد. در لایه سـوم و چهـارم به ترتیـب بعد دانش مکانـی و شناسـایی نـام را در محـدوده هـای وسـیع تر از فضـای محلـه می تـوان یافت. در نتیجـه، دومین لایه مـرزی (محلـه دفاع شـده) بـا مقیاس فضایی مناسـبی (نـه خیلی بزرگتر در سـطح ناحیه و نـه خیلی کوچکتر در حـد بلـوک سـاختمانی)، بـا دارا بـودن مولفـه های مهـم عینـی و ذهنی بطـور همزمان، همچـون محدوده خدمـات و عملکردهـای مختلف محلی، داشـتن هویت متمایز نسـبت به پیرامون، نشـانه مرزی مشـخص (بعد عینـی) و همچنین بـا برخورداری از بعد روانشـناختی- ادراکـی در قالـب مفهـوم آشـنایی فضایـی، محـدوده وقـوع تعامـلات اجتماعـی (بعـد ذهنـی)، در تعییـن محـدوده محلـه می توانـد با پژوهـش و بررسـی ادراک مشـترک سـاکنین در ایـن سـطح فضایـی از محلـه، بعنـوان مقیـاس فضایـی قابـل قبولـی بـرای تعییـن محـدوده محلـه، معرفـی گـردد تـا در پژوهشـهای آتی و برنامه ریزی هـای محلـه ای بیشـتر مـورد بررسـی و ارزیابـی قـرار گیرد.

منابع و ماخذ

تانکیـس، ف (۱۳۸۸) فضـا، شـهر و نظریـه اجتماعـی مناسـبات اجتماعـی و شـکلهای شـهری، ترجمـه حمیدرضـا پارسـی و آرزو افلاطونـی، تهـران؛ موسسـه انتشـارات دانشـگاه تهـران.

آلتمـن، ایرویـن (۱۳۸۲) محیـط و رفتاراجتماعـی، ترجمـه علـی نمازیان تهران: دانشـگاه شـهید بهشـتی.

انـدرو، تـی، مـک، فرانسـیس (۱۳۹۲) روانشناسـی محیـط، ترجمـه غلامرضـا محمـودی، نشـر وانیـا.

بحرینـی، سـید حسـین و تاجبخـش، گلنـاز (۱۳۷۸) مفهوم قلمرو در فضاهای شـهری و نقش طراح شـهری خـودی در تحقـق آن، نشـریه هنرهای زیبا، شـماره ۶، صص ۱۸-۳۱.

کرمونـا ، متیـو، تیـم هیـت، تنـراک، اسـتیون تیسـدل (۱۳۸۸) مکانهـای عمومـی فضاهـای شـهری، ابعـاد گوناگـون طراحی شـهری. ترجمه فریبا قرائی، مهشـید شـکوهی، زهـرا اهـری، اسـماعیل صالحـی. انتشـارات دانشـگاه هنر.

عینـی فـر، علیرضـا (۱۳۸۸) تحلیـل رابطـه طراحـی کالبدی و تجربه محله مسـکونی، نشـریه هنرهای زیبا، معمـاری و شهرسـازی، شـماره ۴۰، ص ۱۹-۲۸.

عبدالهـی، مجید (۱۳۸۹) سـاختار محله پایدار شـهری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

در ایـران بـا تاکیـد بر شـیراز، رسـاله دکتری، دانشـگاه شـهید بهشـتی تهران، ایران.
رلـف، ادوارد (۱۳۹۰) مـکان و بـی مکانی، ترجمه جلال تبریزی، انتشـارات پیام، چاپ اول
لنـگ، جـان (۱۳۹۰) آفرینـش نظریـه معمـاری، نقش علـوم رفتـاری در طراحـی محیـط، ترجمـه، علیرضـا عینـی فـر، چـاپ پنجـم، انتشـارات دانشـگاه تهـران
توسـلی، محمـود (۱۳۶۹) اصـول و روشـهای طراحـی شـهری و فضاهـای مسـکونی در ایران، انتشـارات مرکز مطالعـات و تحقیقـات شهرسـازی و معمـاری، مـزارت مسـکن و شهرسازی
مدنـی پـور، ع. (۱۳۸۷) فضاهـای عمومـی و خصوصـی شـهر، ترجمـه دکتـر فرشـاد نوریان، تهـران انتشـارات شـرکت پـردازش و برنامـه ریزی شـهری
Alexander,Christopher, Sara Isikava and Murray Silverstein, 1977, A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction, Oxford University Press, New York
Aitkin, S. C., and R. Prosser. 1990. Residents spatial Knowledge of Neighborhood continuity and form. Geolographical Analysis 22: 301_326.
Appleyard, D. 1970. Styles and Methods of structuring a city. Environment and Behavior. 2:100_116.
BIRCH, D., BROWN, E., COLEMAN, R. ET AL,1979 ,"The Behavioral Foundations of Neighborhood Change" . Washington, DC: USGPO/ HUD.
Bernt, Wahl and Erik, Wilde, 2008 "Mapping The World… One Neighborhood at a Time" University Of California, Berkeley , USA, _Wave G. Haney and Eric
Cowan, Robert, 2005, The Dictionary of Urbanism, London, Street Wise Press.
Barton Hugh, et al, 2003" Shaping Neighbourhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality" , spoon press, London and New York.
Chaskin RJ, 1995, Defining Neighborhood: History, Theory, and Practice. Chicago: The Chapin Hall Center for Children at the University of Chicago;
Chaskin, Robert, J. 1998.Neighborhood as a Unit Of Planning and Action: A heuristic approach. The Journal of Planning Literature 13(1): 11-30
Coulton, Claudia, July 2012 ,Defining Neighborhoods For Research And Policy. City Scape: A Journal of Policy Development and Research ,Number 2. Department of Housing and Urban Development.Case Western Reserve University.
Coulton,Claudia .J., Jill Korbin, Tsui Chan, and Marilyn Su. 2001," Mapping Residents Perceptions of Neighborhood Boundaries:A Methodological Note,"American Journal of Community Psychology 29 (2): 371_383,2001
Cooper Marcus And Wendy Sarkissian ,1986 , Housing as if People Mattered, University Of California Press, Berkeley.
Campbell, Elizabeth, Julia R. Henly S. Elliott, and Katherine. 2009. "Subjective Constructions of Neighborhood Boundaries: Lessons From a Qualitative Study of Four Neighborhoods, " journal of Urban Affairs 31 (4):461_490
Dubin, R.A., 1992. Spatial Autocorrelation and Neighborhood Quality. Regional Science and Urban Economics 22, 433-452.
Dovey,Kim. 1985 , An Ecology Of Place And Placemaking, In Kim Dovey,Peter Downton And Grey Missingham,Eds ,Place and Placemaking,Proceedings Of The Paper 85 Conference ,Melbourn:Faculty Of Architecture and Building RMIT,pp.93-107
Dovey, Kim and Sarah Health.1994 , Formal Ex-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

pression And Social Identity, In Kim Dovey Et al., The Akman Tour Of European Housing, Department Of Architecture, The University of Melbourn, pp.69_71

Galster.George, 2001," On The Nature Of Neighborhood" Urban Studies Journal Foundation

Guest, A.M., Lee, B.A., 1984. How urbanites define their neighborhoods. Population and Environment 7(1), 32-56.

Goodchild, B. 1974. Class differences in environmental perception.Urban Studies, 11:157_169.

Grannis, R., 2003. Islands in the city: Social networks and street networks. Working paper, Department of Sociology, University of California, Los Angeles.

Gale, N., R.G.Golledge, W. C. Halperin, and H. Conclelis. 1990, Exploring SpaTIAL FAMILIARITY. The Professional Geographer 42:299_313.

Gifford, Robert; "Environmental Psychology; principles and practice". University of Victoria, 1987.

Haney, W. G., and E. S. Knowles. 1978. Perception of neighborhoods by city and suburban residents. Human Ecology 6:210_214.

Hwang,Jackelyn. 2007."Perceptions and Borders of the Changing Neighborhood:Acase Study in Philadelphia.Senior Honors Thesis, Sociology Department,Stanford University Advisor:Professor Michael Rosenfeld

Hunter, Albert. Symbolic Communities:The Persistence and Change of Chicago s Local Communities. Chicago:The University of Chicago Press.

Hallman, H.W. 1984, Neighborhoods: Their place and Urban Life. Beverly Hills, CA: Sage Publications.

Keller,S.,1986, The Urban Neighborhood: A Sociological Perspective, New York:Random House

Lee,T. 1968.Urban neighborhood as a Socio-spatial Schema. Human Relationships 21:246_268.

Lee, B.A., Campbell, K.E., Miller, O., 1991. Racial differences in urban neighboring. Sociological Forum 9(3), 525-550.

Lynch, Kevin ,1960, The Image of the City, Cambridge,MA:MIT Press

Orleans, P. W. 1973, Differential cognitionof urban residentsL:effects of social scale on mapping. In Image and environment, edited by R. M. Downs, and Stea. Chicago:Aldine, 115_130.

33_O'Campo, P., 2003. Invited commentary: Advancing theory and methods for multilevel models of residential neighborhoods and health. American Journal of Epidemiology 157(1), 9-13.

Pacione, Michael. 1982. Neighborhoods and Public service boundaries in the city: A geographical analysis. Geoforum 13,3:237-244.

Pebley, Anne R., and Narayan Sastry.2009. Our Place:Percieved Neighborhood Size and Names in Los Angeles. Working paper , 2009_ 026 ed. Los Angles: California Center for Population Research.

Rapoport,Amos,1982, Identity and Environment: A Cross-Cultural Perspective. In J. S. Duncan ed ,Housing and Identity : A Cross_Cultural Perspective ,London: Croom Helm, pp.6-35

Rohe M, Gates W, Lauren B (1985), Planning With Neighborhoods, University of North Carolina Press.

S.Knowles, , 1978, "Perception of Neighborhood by city and Suburban Residents" Journal of Human Ecology, Vol 6, No.2

Sampson, Robert J., Jeffery D. Morenoff, and Thomas Gannon_Rowley.2002. Assessing Neigh-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

borhood Effects:Social Processes and New Directions in Research, Annual Review of Sociology28(1):443_478

Sampson, Robert J., and Stephen W. Raudenbush. 2004. " Seeing Disorder:Neighborhood Stigma and the Social Construction of Broken Windows, "Social Psychology Quarterly 67 (4):319_342.

Shinn,M. and Siobham M. Toohy. 2003."Community contexts of Human Welfare,"Annual Review of Psychology 54(1):427_459.

Suttles, G.D., 1972. The Social Construction of Communities. Chicago: University of Chicago Press

wright, Henry, December 1960, American Society of Planning Officials, Information Report No, 141, "Neighborhood Boundary, Discussion of Neighborhood Planning. Speech before meeting of the American city planning Institude.

Y.Guo, Jessica And R.Bhat, Chandra, 2010, "Operationalizing the Concept of Neighborhood: Application to Residential Location Choice Analysis" Department of Cxivil Engineering, University of Texas at Austin, 1 University Station C1761, Austin,USA.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-02-01]